

بنیان‌های فکری صهیونیسم سیاسی در تفکر سلفیان تکفیری

رحیم دهقان^۱

چکیده

با تحقیق و تأمل در رفتار و اندیشه‌های سلفیان تکفیری می‌توان دریافت که بنیان‌هایی یهودی در تفکر آنها وجود دارد. این بنیان‌ها، خواسته یا ناخواسته هویت تکفیری‌ها را تغییر داده و آنها را به ابزاری جهت ترویج و تحقق اهداف صهیونیسم سیاسی برخاسته از یهودیت، مبدل ساخته است. این ادعا را می‌توان با تبیین مبانی فکری دو جریان سلفیان تکفیری و صهیونیسم سیاسی و نیز بررسی ایده‌های مشترک آنها از جمله حربه تکفیر، برگزیدگی، ترور، خونریزی و... و نیز از طریق تحلیل نقش سیاسی یهودیت صهیونیسم در ترویج و حمایت از تکفیری‌ها به اثبات رساند. بررسی بنیان‌های فکری یهودیت صهیونیسم و رد پای این تفکر در اندیشه سلفیان تکفیری، مؤید استفاده ابزاری صهیونیسم از سلفیان تکفیری، جهت تبلیغ یهودیت و نیز براندازی تفکر اسلامی و بخصوص شیعی است. این مقاله ضمن تبیین مؤلفه‌های مهم در تفکر سلفیان تکفیری می‌کوشد تصویر روشنی از این بنیان‌ها ارائه نموده، ضمن بیان همسانی‌های این دو جریان، نقش صهیونیسم یهودی در حمایت از سلفیان تکفیری و به‌کارگیری تکفیری‌ها در جهت تحقق اهداف صهیونیسم سیاسی را نشان دهد. روش این مقاله در مراجعه به آراء، استنادی و در تبیین محتوا، تحلیلی-انتقادی است.

واژگان کلیدی: سلفیان، تکفیر، برگزیدگی، یهودیت، صهیونیسم سیاسی، ترور.



امروزه پس از وقوع جریان بیداری اسلامی در کشورهای منطقه برای بازگشت به اسلام ناب، از طرفی شاهد حضور گروه‌های سلفی وهابی هستیم که با افکار و عملکردشان سعی در تحریف این بیداری عظیم دارند و به نام اسلام و جهاد مقدس، سخت‌ترین جنایات را در حق شیعیان عراق، سوریه، لبنان، بحرین و دیگر مناطق جهان مرتکب می‌شوند و از طرفی دیگر شاهد حضور یهودیت صهیونیسم هستیم که با همین هدف، جنایاتی مشابه را در مناطق دیگری از جهان از جمله فلسطین و مناطقی از خاورمیانه انجام می‌دهند. این دو جریان در راستای اهدافی مشترک حرکت می‌کنند. هدف عمده آنها نابودی اسلام و ایجاد حاشیه‌ی امن برای رژیم صهیونیستی است؛ چراکه هرچه هرج و مرج و تفرقه در کشورهای اسلامی بیشتر شود، مسلمانان همدیگر را بکشند و منابع انسانی و مادی خود را هدر بدهند، امنیت اسرائیل پایدارتر خواهد بود. در راستای تحقق این هدف مشترک، تکفیری‌ها و انتحاری‌ها ابزاری در دست محور عربی - آمریکایی - اسرائیلی صهیونیسم سیاسی هستند و در راستای منافع این محور حرکت می‌کنند. این محور صهیونیستی، آنها را در هر نقطه‌ای که بخواهد اعزام می‌کند؛ گاهی به افغانستان و پاکستان و زمانی به عراق و سوریه و در برهه دیگر به لبنان و از آنجا که تروریست‌ها و تکفیری‌ها از عقل و منطق بی‌بهره‌اند و در مورد اعمال شرارت‌آمیز خود اندیشه نمی‌کنند، این محور به خوبی می‌تواند از آنها در جهت دست‌یافتن به اهداف و خواسته‌های خود بهره‌برداری کند.

بر این اساس به نظر می‌رسد باید بنیان جنایات تکفیری‌ها را در اندیشه‌های یهودیت صهیونیسم دنبال کرد؛ چراکه به تأیید قرآن کریم،^۱ ریشه اصلی جنایات در اندیشه‌های یهودیت صهیونیست است. از این رو، قرآن کریم یهود را دشمن‌ترین افراد نسبت به مسلمانان معرفی کرده (مانده: ۱۲)، و آنها را محکوم به ذلت و خواری می‌داند: «آنها محکوم

۱. بر همین اساس، قرآن کریم سرسخت‌ترین دشمن اسلام را یهود است. خداوند در قرآن کریم در آیات متعددی دشمنان اسلام را معرفی می‌کند که در میان آن یهود با خطاب «أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودُ» (مانده، ۸۲) به عنوان خطرناک‌ترین دشمن مسلمانان معرفی و سپس مشرکین و نصاری (مسیحیت) را در مرتبه‌ی دوم و سوم از دشمنی قرار داده است. (حامدی، دشمنان مهدویت چرا و چگونه؟، ص ۲۲، ۲۳).

به ذلت و خواری هستند به هر کجا متوسل شوند، مگر به دین خدا و عهد مسلمین درآیند» (آل عمران: ۱۱۲).

برای تبیین این ادعا که تکفیری‌ها ابزاری در دست رژیم صهیونیستی هستند، نیاز است ماهیت صهیونیسم سیاسی و نیز جریان سلفیان تکفیری، بنیان‌های فکری آنها، مشابهت‌ها و خط‌مشی‌ها و اهداف مشترک آنها مورد تحلیل قرار داده شود. بر این اساس پرسش عمده این پژوهش آن خواهد بود که مهم‌ترین همسانی‌ها در این دو جریان چیست و اهداف مشترک آنها چیست؟ برای پاسخ به این مسئله ابتدا اشاره مختصری به هویت جریان تکفیری و صهیونیسم سیاسی برخاسته از یهودیت خواهیم داشت؛ سپس ضمن بیان بنیان‌های فکری هر دو جریان، به اهداف مشترک این دو جریان خواهیم پرداخت.

۱. هویت صهیونیسم سیاسی و سلفیان تکفیری

۱-۱. یهودیت و صهیونیسم سیاسی

واژه «صهیونیسم»^۱ برگرفته از «صهیون»، نام تپه‌ای در اورشلیم است و جنبش صهیونیسم یک جنبش ملی‌گرای یهودی است که عمده‌ترین هدف آن، تشکیل کشوری برای یهودیان است. این جنبش به دو شاخه «صهیونیسم مذهبی» و «صهیونیسم سیاسی»^۲ تقسیم شده است. هر دو شاخه، در عقیده پایه، یعنی بازگشت یهودیان به فلسطین و تشکیل دولت یهودی مشترک‌اند (گارودی، ۱۳۶۹، ص ۳۷). پیروان صهیونیسم مذهبی، روحیه مذهبی داشته، و معتقدند هنگام ظهور موعود، تمام بشریت به سوی سرزمین موعود روان خواهند شد. صهیونیسم مذهبی که فقط در بین گروه‌های محدودی رایج است، به دشمنی با مسلمانان برنخاسته و رفتاری دال بر علاقه به درگیری بین جوامع یهودی و مردم عرب در پیش نگرفته‌اند (همان)؛ اما پیروان صهیونیسم سیاسی که در اواخر سده ۱۹ میلادی با

1. Zionism.

۲. آنچه در این مقاله ما از آن تحت عنوان «یهودیت صهیونیسم» یاد خواهیم کرد و آن را در مقایسه با جریان سلفیان تکفیری مورد بحث قرار خواهیم داد، همین «صهیونیسم سیاسی» است.

تئودور هرتزل^۱ شکل گرفت، بر خلاف صهیونیست‌های مذهبی به‌طور کامل به خدا شکاک بوده و اندیشه‌های آن بر روحیه نژادپرستی و نگاه حقیرانه به دیگر ملت‌ها مبتنی است (گارودی، ۱۳۶۹، ص ۳۹). به باور طرفداران صهیونیسم سیاسی، سرزمین [فلسطین] به آنها به عنوان قوم خاص خدا، وعده داده شده لذا ادعای مالکیت بر فلسطین دارند.^۲

۱-۲. سلفیان تکفیری

مشابه جریان مذکور در یهودیت، جریان سلفیان تکفیری در اسلام است. بنیان‌گذار تفکر سلفی «احمد بن تیمیه حرانی دمشقی» (۶۶۱-۷۲۸) است. جریان فکری سلفی حدود چهار قرن پس از ظهور ابن تیمیه، یعنی در قرن دوازدهم هجری توسط «محمد بن عبد الوهاب» که از اندیشه و عقاید ابن تیمیه حمایت می‌کرد، احیا شد. او بدعت‌های زیادی را در اسلام بنا نهاد؛ به‌گونه‌ای که حتی پدر و برادرش با بدعت‌های وی مخالفت کردند و برادرش سلیمان بن عبدالوهاب کتاب الصواعق الإلهیه فی الرد علی الوهابیه را در رد عقاید وی نوشت (امین، ۱۳۷۶، ص ۳). او در سال ۱۱۶۰ هجری از شهر عینه توسط مردم اخراج و رهسپار «دُرعیه» شد و حاکم آن شهر (جد آل سعود) را با وعده سلطنت تطمیع نموده، مرید و پیرو خود گردانید (بنی حسینی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۲۰-۴۲۴)؛ سپس به وسیله‌ی سپاه محمد بن سعود به دیگر شهرهای نجد حمله‌ور شده، آنها را به تصرف خویش درآورد؛ زیرا وی مخالفان با آیین و هابیت را کافر حربی می‌دانست و مال و جان آنها را حلال می‌شمرد (همان، ص ۴۲۰-۴۲۱). پس از مرگ او در سال ۱۲۰۷ هجری پیروانش به کمک آل سعود، راه و روش او را ادامه دادند و مرتکب جنایات فراوانی از جمله حمله به شهر کربلا و تخریب حرم حسینی و قتل عام مردم این شهر- در ۱۲۱۶ هجری- و نیز هجوم به شهر نجف اشرف و تخریب تمام بناهای تاریخی و بقاء متبرکه‌ی قبرستان بقیع در سال ۱۲۲۲ هجری و ده‌ها جنایات دیگر شدند (امین، ۱۳۷۶، ص ۱۸).

مهم‌ترین ابزاری که در پیشبرد اهداف سلفیان جدید یا سلفیان تکفیری سهم بسزایی

1 . Theodor Hertzl.

۲ . قرآن کریم نیز در آیات متعددی نژادپرستی را به یهودیت نسبت داده و آن را امری نادرست دانسته است. در این رابطه رک: (جمعه، ۶؛ مانده، ۱۸؛ بقره، ۸۰؛ اعراف، ۱۶۸-۱۶۹).



دارد، توسعه معنایی و مصداقی کفر است و به همین جهت می‌توان از آنها به «سلفیان تکفیری» یاد کرد. آنها به اندازه‌ای دایره کفر را گسترده‌اند که هر کسی غیر از خودشان را دربر می‌گیرد. حربه تکفیر، جوازی برای انجام هرگونه عملیات جهادی است؛ لذا از شروع درگیری‌ها در مارس ۲۰۱۱ میلادی تاکنون سوریه شاهد قتل‌های عمد، بمب‌گذاری‌های بی‌پایان انتحاری، کشتار کودکان نوپا از طریق بریدن گلو، سربریدن و مثله‌کردن افراد دستگیرشده، کشتار شیعیان در الرقه و جنایت‌های بسیاری بوده است که همه آنها ناشی از همین تفکر بوده است. شرک و کفر نزد سلفیان قدیم، بیشتر در عبادات و عقاید فردی بود، مثل توسل به اولیا، نذر، شفاعت، زیارت قبور؛ ولی شرک و کفری که سلفیان جدید یا تکفیری به آن معتقدند، تقریباً همه شئون زندگی اجتماعی و مدنی شخص را دربر می‌گیرد. عدالت نژاد و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۸۳) در نظر سلفیان تکفیری پیروی از اندیشه‌های نوینا گرویدن به مکاتب فکری و فلسفی، عضویت در احزاب سیاسی، اشتغال در ادارات و سازمان‌های دولتی چنانچه در جهت اهداف و منافع گروه‌های سلفی نباشد، از اعمال کافران به حساب می‌آید.

درواقع تفاوت عمده‌ی سلفیان قدیم با سلفیان تکفیری این است که سلفیان تکفیری یا موج دوم سلفیه، قائل به جهاد و اقدام خشونت‌آمیز هستند و با تشکیل جنبش‌های مسلحانه زیرزمینی معتقدند باید دولت‌ها را سرنگون و اسلام اصیل را پیاده کرد. خطر جریان تکفیری از سلفیان قدیم بیشتر است؛ چراکه بر اساس استنباط خویش از توحید، شرک و کفر، سایر مسلمانان را تکفیر نموده، عملاً دست به مبارزه و کشتار آنها می‌زنند.

۲. بنیان‌های فکری سلفیان تکفیری و صهیونیسم سیاسی

۲-۱: بنیان‌های فکری سلفیان تکفیری

مهم‌ترین نظریات و مبانی فکری سلفیان تکفیری^۱ را می‌توان در موارد ذیل برشمرد:

۱. جزمیت‌گرایی و مخالفت با دانش‌های نوین علمی: برخی رهبران گروه‌های سلفی،

۱. برای مطالعه بیشتر رک: عدالت نژاد و همکاران، سلفیان تکفیری یا الجهادیون؛ خاستگاه و اندیشه‌ها، تاریخ و تمدن اسلامی، ۱۳۹۰، ص

از علم، به «فتنه» تعبیر کرده و معتقدند بندگان به واسطه فتنه علم، از عبادت و پیمودن مسیر حق منحرف می‌شوند (همان، ص ۱۲۴). در نظر آنها، پیروی از اندیشه‌های علمی نوین نوعی کفر و شرک محسوب می‌شود. (همان، ص ۴۲-۴۶). بر همین اساس، علم جدید و دستاوردهای آن را تخطئه نموده و به جزمیت‌گرایی اعتقادی اکتفاء می‌کنند.

۲. توسعه مفهوم شرک و کفر: سلفیان تکفیری، به قدری دایره کفر را گسترده‌اند که هر کسی غیر از خود آنها و متحدانشان را در بر می‌گیرد. آنها، همه دولت‌های اسلامی را کافر می‌دانند (همان، ص ۳۹-۴۴). با این توسعه معنای کفر، راه را برای انجام عملیات‌های انتحاری و خشونت علیه مظلومان جهان هموار ساخته‌اند.

۳. ظاهرگرایی: از جمله مبانی فکری سلفیان قدیم، ظاهرگرایی و مخالفت با تأویل و تفسیر است. روش ظاهرگرایی در فهم متون و تبعیت محض از سلف صالح در سلفیان جدید نیز باعث شده تا برخی رهبران جریان‌های سلفی، از بعضی کلمات ناظر به جهاد برداشتی کاملاً ظاهرگرایانه داشته و معنایی ناموجه بر آن بار کنند.^۱ (رک: رفعت، ۱۹۹۱، ص ۱۲۹-۱۳۱).

۴. تحویل مفاهیم مقدّس به مفاهیمی عرفی: سلفیان برخی مفاهیم دینی را از جایگاه خود منحرف ساخته و آن را به مفهومی کاملاً این‌جهانی و دنیوی و چه بسا ضدارزشی تحویل برده‌اند. از جمله این مفاهیم، جهاد است. سلفیان تکفیری جهاد را در هر شکل و با هر وسیله‌ای جایز می‌دانند.^۲ رهبران این جنبش افراطی، با استناد به آیاتی از قرآن از جمله «کتب علیکم القتال و هو کره لکم و عسی أن تکرهوا شیئا و هو خیر لکم» (بقره: ۲۱۶) تنها راه صحیح و شرعی اقامه دولت اسلامی را قتال و جنگ دانسته و به شدت با این نظر که جهاد در اسلام، جنبه دفاعی دارد مخالفند. (همان، ص ۱۳۶). متأسفانه نگرش سلفیان به مسئله جهاد، بیشتر به ایده‌ی ترور شبیه است که باعث شده جهاد بار ارزشی خود را از دست داده و به هویت ضدارزشی به خود گیرد. این در حالی است که ترور در دیدگاه اسلام

۱. برای مطالعه بیشتر رک: عدالت نژاد و همکاران، ص ۱۷۶.

۲. برای مطالعه بیشتر در این رابطه رک: ضحی الخطیب، ضوابط التکفیر بین الأمس والیوم، بیروت، دار البراق، ۱۴۲۸ق، صص ۱۷۸-۱۷۹.



عمل نامشروع، غیرانسانی و مخالف اهداف و ارزش‌های والای الهی بوده، هیچ‌گونه سنخیتی با فریضه جهاد که یکی از استراتژی‌های مهم اسلام برای اصلاح جامعه بشری بر اساس مکانیزم‌های اخلاقی و انسانی و بشردوستانه است ندارد. اسلام با کشتار انسان بی‌گناه، مخالف است. از نظر اسلام اصیل، اولاً کشتن انسان‌های بی‌گناه - از هر فرقه یا مذهب و در هر مکانی که باشد- و کشتن زنان، اطفال، معلولان و نابینایان و مثله کردن حرام است. ثانیاً اصل بر عدم خونریزی و قتل است؛ لذا رسول مکرم اسلام ﷺ در جریان فتح مکه پیش از آنکه لشکریان اسلام وارد مکه شوند، خطاب به فرماندهان خود فرمود؛ فتح مکه باید بدون خونریزی صورت گیرد.^۱ ثالثاً مواردی که نیاز به ضرب و جرح است، باید به اذن پیامبر ﷺ یا ائمه علیهم‌السلام و یا در عصر غیبت، فقهای عظام صورت پذیرد. لذا ترورهایی که صرفاً به جهت مسائل سیاسی و بدون پشتوانه احکام فقهی یا بدون کسب اجازه از مقام مرجعیت صورت گیرد، مورد قبول اسلام نیست؛ علاوه بر اینکه جهاد یا قتل فی سبیل الله در اسلام، دارای جنبه تدافعی بوده و مبادرت به جنگ ابتدایی مستلزم وجود امام یا نایب خاص اوست (سبحانی، ۱۳۷۶، ص ۴۴۳).

۲-۲. بنیان‌های فکری صهیونیسم سیاسی

۱. سیاست ترور و خونریزی: سیاست دفاعی اسرائیل، همواره بر «اصل کشتن» استوار بوده و رژیم افراط‌گر تل‌آویو بر این باور است که نمی‌تواند بدون اتخاذ سیاست کشتار بی‌وقفه مردم بی‌گناه، وجود داشته باشد. این رویکرد مبتنی بر اعتقادات دینی یهودی است. در تورات آمده است: «چون قوم آواز کَرَنًا را شنیدند، حصار شهر به زمین افتاد و قوم شهر را گرفتند و هر آنچه در شهر بود از مرد و زن و جوان و پیر و حتی گاو و گوسفند و الاغ را به دم شمشیر هلاک کردند... و در آن روز یوشع مقبیده را گرفت و آن و ملکش را به دم شمشیر زده ایشان و همه نفوسی را که در آن بودند، هلاک کرد و کسی را باقی نگذاشت و به طوری که با ملک اریحا رفتار نموده بود، با ملک مقبیده نیز رفتار کرد» (یوشع، ۶: ۲۰-۲۱؛ ۱۰: ۲۸).

۱. برای آگاهی بیشتر در این باره ر.ک: سبحانی، جعفر، فزاهایی از تاریخ پیامبر اسلام ﷺ، ص ۴۴۳.

جورج مارتین^۱ که سالیان زیادی در اسرائیل زیسته، بر مبنای این فراز از تورات پرسشنامه‌ای طراحی نموده و به ۱۰۶۶ نفر از دانش‌آموزان خود داد. در آن پرسشنامه آمده است، «فرض کنید که ارتش اسرائیل یک ده عرب را تصرف کند، فکر می‌کنید بهتر است با آنها همان عملی را بکنند که یوشع با مردم اریحا [و مقیده] کرد یا نباید چنین کند؟ چرا؟» لحن ۹۵ درصد از پاسخ‌ها این بود که هدف از این جنگ‌ها تسخیر سرزمین‌ها برای اسرائیلی‌ها بوده و بنابراین کشتن ساکنان شهرها صواب بوده است و یوشع هم فرصت نداشت که صرف‌أسرا کند و لذا باید تمام آنها را می‌کشت (ایوانف، ۱۳۵۶: ۵۹). در غالب این پاسخ‌ها آمده بود که ارتش اسرائیل نیز در رابطه با ده عرب باید همان کاری را بکند که یوشع کرد؛ چون اعراب دشمنان ذاتی ما هستند (همان، ص ۵۹). این نوع پاسخ نشان می‌دهد یهودیت صهیونیسم تلاش کرده است روحیه کشتار و خونریزی را در بین دانش‌آموزان نهادینه ساخته، آنان را به موجوداتی خونخوار و کینه‌توز تبدیل کند.

۲. خودبرترینی و نژادپرستی: رژیم اشغالگر اسرائیل خود را ملت برگزیده دانسته و معتقد است «ما یهودیان برگزیده خداوند هستیم» (هرتزل، ۱۳۸۹، ص ۴۰). این عقیده ناشی از ایده برگزیدگی و متخذ از تورات است^۲ که در بخش‌های مختلفی از کتاب مقدس^۳ بیان شده و به اطاعت از خدا و دوری از گناه مشروط شده است. افراطی‌ترین برداشت از ایده برگزیدگی، برداشت صهیونیست‌های یهودی است.^۴

۳. فتنه‌انگیزی و اضمحلال وحدت مسلمانان: تاریخ همواره شاهد شرارت‌ها و فتنه-انگیزی‌های یهودیت بوده، همین روحیه از جمله خصیصه‌های مهم در صهیونیسم یهودی

1 . George R. Tmarin.

۲. «فرشته خداوند از آسمان ابراهیم را صدا زده، به او گفت: «خداوند می‌گوید به ذات خود قسم خورده‌ام که چون مرا ملاقات کردی و حتی یگانه پسر را از من دریغ نداشتی، تو را چنان برکت دهم که نسل تو مانند ستارگان آسمان و شن‌های دریا بی‌شمار گردند... اگر اوامر خداوند را اطاعت کنی و در راه او گام برداری، او نیز شما را قوم مقدس خود خواهد ساخت. آنگاه تمام مردم جهان خواهند دید که شما قوم خاص خداوند هستید... اما اگر شرارت ورزیده، خدا را ترک کنی، خداوند شما را لعنت کرده و به اضطراب و ناکامی دچار خواهد کرد.» (تثنیه ۲۸: ۹-۲۰).

۳. خروج، ۳: ۶-۱۹؛ تثنیه، ۴: ۲۵-۲۷؛ عاموس، ۲: ۳.

۴. برخی اساساً منشا پیدایش کشور غاصب اسرائیل، را روحیه نژادپرستی یهود دانسته و معتقدند این پندار غلط آنها را آلوده انواع جنایات کرده است. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۲۴)

امروزی نیز هست و آنها نیز همواره تلاش می‌کنند در میان مسلمانان تفرقه‌پراکنی کنند (نگارش، ۱۳۸۹، ص ۱۰۱). فتنه یهودیان در به هم زدن رابطه جمعی از طایفه اوس و خزرج نمونه‌ای از این موارد است که با مدیریت پیامبر ﷺ، مسلمانان را از این فتنه دشمن آگاه شدند. (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۴۶۳). امروز رژیم صهیونیستی با هدف حضور کشورهای غربی در منطقه خاورمیانه و فتنه‌انگیزی در میان مسلمانان تلاش می‌کند. به بیان امام خمینی (ره): «امروزه وضع سیاسی دنیا طوری است که ابر قدرت‌ها برای شکست همه‌ی طوایف و قشرهای دیگر طرح دارند و مهم‌ترین طرح‌ها آن است که بین برادرها اختلاف ایجاد کنند.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۳، ص ۱۳۰). ایشان بر همین اساس، همواره بر وحدت تأکید می‌کند (همان، ج ۱۶، ص ۴). و در وصیت نامه سیاسی - الهی خویش بیان می‌دارد که «توصیه اینجانب به مسلمین و خصوص ایرانیان به‌ویژه در عصر حاضر آن است که به انسجام و وحدت خود، به هر راه ممکن، افزایش دهند.» (همان، ج ۲۱، ص ۱۷۷).

۴. شبهه افکنی در میان مسلمانان: یهودیان همواره تلاش داشته‌اند مسلمانان و پیروان اسلام را از اسلام دور کرده و آنها را دچار شک و شبهه کنند. این آیه از قرآن که «جمعی از اهل کتاب (یهود) دوست داشتند شما را گمراه کنند. [اما آنها باید بدانند که نمی‌توانند شما را گمراه سازند] آنها گمراه نمی‌کنند مگر خودشان را و نمی‌فهمند» (بقره: ۱۰۹) ناظر به دسیسه شبهه افکنی یهودیان در جوامع اسلامی است.

۳. ایده‌های مشترک سلفیان تکفیری و صهیونیسم سیاسی

بر اساس مبانی مذکور می‌توان رویکردهای مشترک دو جریان صهیونیسم سیاسی برخاسته از یهودیت و سلفیان تکفیری را که هر دو در دوران معاصر، تهدیدی برای اسلام و مسلمانان محسوب می‌شوند، به دست آورد. البته جنبش سلفیان تکفیری، بیشتر ابزاری در دست یهودیت صهیونیسم است و صهیونیست‌ها تلاش کرده‌اند هویت آنها را تغییر داده و اصول و اهداف خود را بر آنها غالب سازند؛ از این رو اهداف و اصول مشترکی بین این دو جریان دیده می‌شود از جمله:

۳-۱. ترور و خونریزی، خط و مشی یهود و سلفیان تکفیری

یهود به منظور رسیدن به اهداف خود و حاکمیت جهانی نژاد یهود و عملیاتی کردن آن، به ترور و تکفیر غیر یهودی می‌پردازد (حامدی، ۱۳۸۷، ص ۳۶). روشن است تکفیر و قتل و اباحه‌ی خون غیر هم‌کیش از خط‌مشی یهود است که دقیقاً در خط‌مشی سلفیان تکفیری نیز نمود یافته است. آنها مسلمانان مخالف با خود را کافر پنداشته، با فتوایی جان، مال و ناموس آنان را مباح می‌دارند؛ در حالی که در کتاب و سنت از شتاب‌ورزیدن به تکفیر مسلمان و بی‌دین خواندن او به شدت نهی شده است^۱ (الخشن، ۱۳۹۰، ص ۳۸). قاعده‌ی بنیادین در اسلام، محفوظ‌بودن خون‌هاست و خداوند سبحان، کشتن یک فرد را با کشتن تمامی انسان‌ها و زنده‌کردن او را با زنده کردن همه انسان‌ها برابر دانسته است؛^۲ اما سلفیان تکفیری به جهت اینکه هویت خود را از دست داده و در خدمت صهیونیسم قرار گرفته‌اند، حکم بر کافر بودن تمامی جامعه‌های اسلامی صادر می‌کنند و به این ترتیب، ریختن خون‌ها، هتک ناموس‌ها و غارت ثروت‌ها را به نام اسلام، مباح می‌دانند. آنچه در عراق، افغانستان، الجزایر و دیگر کشورهای اسلامی رخ داده و می‌دهد، گواه زنده‌ای بر این ادعاست (همان، ص ۱۳).

۳-۲. توسعه معنایی و مصداقی کفر

خصیصه عمده سلفیان تکفیری که آنها را از دیگر رویکردهای سلفی جدا می‌سازد، توسعه معنای کفر است که مطابق با ایده برگزیدگی در تفکر یهودیت صهیونیسم است. سلفیان تکفیری با حق‌پنداری برداشت‌های ظاهرگرایانه خویش، همواره بدعت‌ها و آرای خویش را در عرض کتاب و سنت پیامبر ﷺ مطرح کرده‌اند (ابن‌ابی‌الحدید معتزلی، [بی‌تا]، ج ۱۲، ۲۷۴؛ امینی، ۱۳۹۷ق، ج ۱۰، ص ۱۲۳). «خوارج نهروان» در راستای همین اصل، نتیجه حکمیتی را که خودشان بر امیر مؤمنان علیه السلام تحمیل کرده بودند، نپذیرفتند و با تمسک به حربه تکفیر و طرح شعار «لا حکم الا لله»، علیه امیر مؤمنان علیه السلام اعلام جهاد کردند.^۳ البانی

۱. خداوند فرموده است: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا» (نساء، ۹۴)

۲. «... مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا...» (مانده، ۳۲) ملاحظه می‌شود که آیه، هیچ قیدی نظیر اسلام یا ایمان را به کسی که کشتن او حرام است، نیفزوده و این به روشنی نشان می‌دهد که پاسداشت خون‌ها از تمامی محدوده‌های دینی فراتر می‌رود.

۳. تردیدی نیست که نگرش وهابیت در عصر حاضر، همان تفکر خوارج در صدر اسلام است. چنانکه برخی از بزرگان و محققان اهل سنت، عنوان «خوارج» را بر وهابیت اطلاق و آنان را خوارج دوران معاصر قلمداد کرده است. (ابن عابدین، محمد امین، حاشیه رد المحتار علی الدر المختار، ج ۴، ص ۴۴۹).

می نویسد: «مسئله تکفیر فتنه بزرگ و قدیمی است که فرقه‌ای از فرقه‌های اسلامی کهن مشهور به «خوارج» آن را آشکار ساخت» (البانی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۴).

این روند در قرن چهارم هجری توسط حنابله^۱ در قرن هشتم به وسیله ابن تیمیه^۲ و در قرن دوازدهم به واسطه محمد بن عبدالوهاب^۳ استمرار یافت. محمد بن عبدالوهاب همه مسلمانان را بدون استثنا تکفیر می نمود، به اتهام اینکه آنان متوسل به پیامبر اسلام می شوند و بر قبور اولیای خود گنبد و بارگاه می سازند و از اولیا طلب شفاعت می کنند (رضوانی، ۱۳۸۷، ص ۲۵). در پی این رویکرد، در سلفیان تکفیری امروزی، حربه تکفیر به اوج خود رسیده است. عبدالعزیز بن باز از مفتی‌های تکفیری معاصر می گوید: «صدازدن میت، فریادرسی و مددجستن از او، همه از نوع شرك اکبر و جزء کردار بت پرستان دوره پیامبر ﷺ است» (بن باز، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۷۴۶). این حربه، باعث شده است هم جریان یهودیت صهیونیسم و هم سلفیان تکفیری، گمان کنند حق با خودشان است^۴ و باقی افراد در اشتباه اند. بر همین مبنا، آنها خود را مجاز دانسته‌اند دیگران را بکشند و حتی گاهی با نهایت سنگدلی اعضا و جوارح تنشان را به نیش بکشند.

۳-۳. ایجاد هرج و مرج در کشورهای اسلامی

از دیگر اهداف افراطی تکفیری‌ها، ایجاد ناامنی و هرج و مرج در کشورهای اسلامی است و این دقیقاً همان چیزی است که جریان صهیونیسم سیاسی به دنبال دست یافتن به آن

۱. ابن اثیر می نویسد: «ان بعض الحنابلة تعصبوا و وقعوا فيه، و تبعهم غیرهم، فمنعوا من دفنه نهارا و دفن لیلایا بداره»؛ همانا برخی از حنابله بر طبری، تعصب به خرج داده و متعرض او شدند و دیگران از ایشان پیروی نمودند و از دفن او در روز جلوگیری کردند؛ از این رو، وی را شبانه در منزلش دفن نمودند». (ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۸، ص ۱۳۴).

۲. ابن تیمیه سر سلسله وهابیت (م. قرن هشتم) در کتاب «الرد علی الاخوانی» در مورد توسل به پیامبر (ص) و زیارت قبر حضرت چنین می گوید: «هر گاه کسی به قصد زیارت و توسل به پیامبر مسافرت کند، و علت اصلی سفر او رفتن به مسجد حضرت و توسل و زیارت و طلب حاجتی از وی باشد مشرک و از شریعت اسلام خارج است». (ابن تیمیه، الرد علی الاخوانی، ص ۱۸).

۳. افراط محمد بن عبد الوهاب در مسئله تکفیر و نسبت شرك به مخالفان فکری خود، در کتابها و نامه های وی آشکار است. در این رابطه به کتاب «الدرر السنیه»، اثر عبدالرحمن بن محمد بن قاسم حنبلی، رجوع کنید.

۴. قرآن کریم درباره این ویژگی یهود می فرماید: «قل یا ایها الذین هادوا ان زعمتم انکم اولیاء لله من دون الناس فتمنوا الموت ان کنتم صادقین». (جمعه؛ ۶) تورات نیز این ادعای گزاف را رد نموده و بیان می دارد که: هرکس بد کند، کیفر داده می شود و کسی را جز خدا ولی و یاور خود نخواهد یافت. (تورات (عهد عتیق)، کتاب مزامیر، باب ۱ و ۳: ۸-۱۵).



است؛ چراکه ایجاد هرج و مرج زمینه‌ای برای نفوذ استعمار کشورهای غربی باز کرده، امنیت بیشتری را برای اسرائیل به ارمغان خواهد آورد. ایجاد اختلافات مذهبی میان امت اسلامی بر اثر اقدامات موهن سلفیان تکفیری، همراه با دامن‌زدن استکبار جهانی به این اختلافات، منجر به برافروخته‌شدن آتش جنگ‌های فرقه‌ای در منطقه می‌شود. ایجاد ناامنی و پافشاری بر خون‌ریزی، زمینه‌ی مناسبی برای تضعیف روحیه‌ی مقاومت و ایستادگی مردم خواهد بود و توجه کارگزاران نظام را از موضوعات کلیدی و اصلی به موضوعات فرعی و جنبی سوق می‌دهد. سرد و ناامید کردن مردم، ایجاد حس بی‌اعتمادی نسبت به کشور و نظام، اعلام وجود مشکلات، موانع و تنگناهای مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی و القای اینکه این مشکلات حل‌نشده‌ی است، از دستاوردهای فتنه‌انگیزی‌های تکفیری‌هاست (نگارش، ۱۳۸۹، ص ۱۰۴).

۳-۴. تقدس‌زدایی از ارزش‌های دینی و نظام الهی اسلام

ضربه‌زدن به دین اسلام و مقدسات دینی از دیگرانگیزه‌ها در دو جنبش سلفیان تکفیری و صهیونیسم سیاسی است. اقدام به ترور مخالفان به‌ویژه رهبران مذهبی از روش‌های برنامه‌ریزی شده دائمی قوم یهود بوده و آنها همواره سعی در شناسایی و ترور این‌گونه شخصیت‌ها به‌ویژه انبیاء الهی را داشته‌اند (حامدی، ۱۳۸۷، ص ۲۲-۳۶)؛ از این رو قرآن کریم با اشاره به این سیره قوم یهود خطاب به ایشان می‌فرماید: «وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيْنَ بِغَيْرِ الْحَقِّ» (بقره: ۶۱). این همان روندی است که از سال‌ها قبل در توهین به مقدسات دینی اسلام شامل پیامبر اعظم ﷺ، ائمه اطهار علیهم‌السلام، قرآن مجید و قبرستان‌های مسلمانان در تمامی گوشه و کنار جهان، با هدف از بین بردن مقدسات اسلامی صورت گرفته و امروزه نیز در عرصه سینما و رسانه‌های غربی به عیان قابل مشاهده است.

این رویکرد در اندیشه سلفیان تکفیری نیز وجود دارد که حمله و تخریب مقبره حجر بن عدی در حومه دمشق، حاکی از آن است. سلفیان تکفیری، در واقع ایده تخریب و تقدس‌زدایی را از سلف خود به ارث برده‌اند، چرا که ابن قیم جوزیه بیان داشته است: «يَجِبُ هَدْمُ الْمَشَاهِدِ الَّتِي بُنِيَتْ عَلَى الْقُبُورِ، وَ لَا يَجُوزُ اَبْقَائُهَا بَعْدَ الْقُدْرَةِ عَلَى هَدْمِهَا وَ اِبْطَالِهَا يَوْمًا



واجداً) (ابن قیّم جوزیه، ۱۴۱۲ هـ: ص ۶۶۱) بر مبنای همین تفکر، وهابیون در سال ۱۳۴۳ هجری قمری در مکه گنبد‌های قبر حضرت عبدالمطلب علیه السلام، ابی طالب علیه السلام، خدیجه علیها السلام و زادگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه زهرا علیها السلام را با خاک یکسان کردند و در مدینه نیز گنبد منور نبوی را به توپ بستند. آن‌ها همچنین در شوال ۱۳۴۳ با تخریب قبور مطهر ائمه بقیع علیهم السلام اشیاء نفیس و با ارزش آن قبور مطهر را به یغما بردند و قبر حضرت حمزه علیه السلام و شهدای احد را با خاک یکسان و گنبد و مرقد حضرت عبدالله و آمنه پدر و مادر پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر قبور را هم خراب کردند. (طهرانی، ۱۴۰۸ هـ: ج ۸، ۲۶۱) وهابیون متعصب در همان سال به کربلای معلی حمله کردند و ضریح مطهر حضرت امام حسین علیه السلام را کردند و جواهرات و اشیاء نفیس حرم مطهر را که اکثراً از هدایای سلاطین و بسیار ارزشمند و گرانبها بود، غارت کردند و قریب به ۷۰۰۰ نفر از علما، فضلا و سادات و مردم را کشتند. (رضوانی، ۱۳۸۷: ۳۰-۳۳)

وجود این اصول و اهداف به عنوان اهداف مشترک این دو جریان نشان می‌دهد که جریان سلفیه تکفیری، هویت خود را از دست داده، در جریان یهودیت صهیونیسم حل شده، و یهودیت صهیونیسم در جهت تحقق اهداف خود، همواره از فعالیت‌های سلفیان تکفیری حمایت می‌کند. به گفته سفیر ایران در لبنان؛ «دشمن اصلی جهان اسلام و مسلمانان، رژیم صهیونیستی است و اکنون این رژیم در سوریه با تروریست‌های تکفیری همکاری و مجروحین آنها را معالجه می‌کند و نتایه‌ها با افتخار از این تروریست‌ها در بیمارستان عیادت می‌کند».^۱ طبق تحقیقات، دو سوم تروریست‌های انتحاری القاعده از سال ۱۹۹۵ تا سال ۲۰۰۴ از کشورهایی هستند که نیروهای صهیونیسم آمریکایی از سال ۱۹۹۰ در آن کشورها حضور جدی داشته‌اند. (اسپوزیتو و مجاهد، ۱۳۹۰: ۷۵-۷۷)

براساس اظهار نظر یکی از پژوهشگران آمریکایی، پیش از حمله آمریکا، عراق در طول تاریخ خود هیچ‌گونه حمله‌ی تروریستی انتحاری نداشته است. اما از زمان حمله آمریکا، تروریسم انتحاری به سرعت افزایش یافته و تعداد این حمله‌ها از بیست حمله در سال

۱. روزنامه کیهان، شماره ۲۰۷۲۹ به تاریخ ۱۷/۱۲/۹۲، صفحه ۳ (اخبار کشور). موجود در:

۲۰۰۳ به چهل و هشت حمله در سال ۲۰۰۴ و بیش از پنجاه حمله در تنها پنج ماه اول سال ۲۰۰۵ رسید (PAP, 2005: 130) و طبعاً در سال‌های اخیر این آمار افزایش بسیار چشمگیری داشته است.

نتیجه

بر اساس آنچه ذکر شد، روشن می‌شود که جهالت گروه‌های تکفیری، این فرصت را برای صهیونیسم سیاسی فراهم ساخته تا از سلفیان تکفیری سوءاستفاده کرده و آنها را ابزاری برای تحقق اهداف خود بکار گیرد. ارتش غاصب صهیونیسم، تلاش کرده تا ایده‌های خود از جمله گسترش معنای کفر، قتل و خونریزی، تقدّم اخلاق بر سیاست و... را بر ذهن سلفیان تکفیری مستولی کند تا از این طریق، یکپارچگی مسلمانان و در نهایت ارزشهای الهی موجود در تشیع را پایمال کند. از این رو، تهدیدات و اقدامات تروریستی در کشورهای اسلامی اگر چه به دست عوامل وهابی انجام می‌شود ولی نتیجه آن خرسندی سران تل‌آویو است. بر همین اساس، جریان‌ات تکفیری هیچ‌گاه در مقابل صهیونیست‌ها کمترین مبارزه و مخالفتی ابراز نکرده‌اند و در حالی که زنان و کودکان مسلمان فلسطینی حدود ۷۰ سال به دست صهیونیست‌ها کشته می‌شوند و مورد سخت‌ترین جنایت‌ها قرار می‌گیرند، پیروان جریان‌ات تکفیری و نظریه‌پردازان سلفیت وهابی هیچ‌گاه در مقابل یهود برای جهاد و دشمنی با آن‌ها و قوم یهود فتوایی نداده‌اند. آنها در حال حاضر هم با استکبار جهانی هیچ‌گونه خصومت و دشمنی ندارند بلکه با مسلمانان و به ویژه مکتب شیعه دشمنی می‌کنند و این ناشی از آن است که بازیچه و ابزاری در دست رژیم صهیونیستی برای محدود کردن اقتدار و قدرت امت اسلامی هستند.

مهمترین پیامد عملکرد افراطی وهابیان، به انزوا رفتن اسلام حقیقی و گسترش اسلام هراسی و شیعه هراسی در جهان، و ایجاد حاشیه‌ی امن برای رژیم صهیونیستی است و این چیزی است که یهودیت صهیونیسم در پی آن است. مؤثرترین راهکار برای مقابله با این فتنه عظیم، اتحاد مذاهب اسلامی است. در واقع حربه تکفیر که هم سلفیان تکفیری و هم

صهیونیسم سیاسی به آن دامن زده‌اند، مهمترین مانع تقریب مذاهب است. فقدان انسجام اسلامی به اسرائیل غاصب جرات جسارت به کشورهای اسلامی را داده تا منحرف کردن برخی آموزه‌های اصیل اسلامی از جمله جهاد و تبدیل کردن آن به ترور، و با تحریک گروه‌های تکفیری و پشتیبانی از آن‌ها، در جهت تخریب و براندازی مسلمانان و شیعیان اقدام کند.



منابع

قرآن کریم.

۱. ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید (بی تا)، شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، مؤسسة اسماعیلیان.
۲. ابن الأثیر، علی بن أبی الکرّم محمد بن محمد بن عبد الکریم بن عبد الواحد الشیبانی (۱۳۸۶ هـ/ ۱۹۸۶ م)، الکامل فی التاریخ، ج ۸، بیروت، دار صادر.
۳. ابن تیمیه، الرد علی الاخنائی، (۱۴۰۴ هـ)، ریاض: انتشارات المرئنه العامه الادارات البحوث العلمیه.
۴. ابن عابدین، محمد امین (۱۴۱۵ هـ)، حاشیه رد المحتار علی الدر المختار، ج ۴، تحقیق: مکتب البحوث و الدراسات، بیروت، دارالفکر.
۵. ابن قیم جوزیه، محمد بن أبی بکر (۱۴۱۲ هـ)، زاد المعاد فی هدی خیر العباد، بیروت: مؤسسة الرساله، مکتبه المنار الإسلامیه.
۶. امین، محسن (۱۳۷۶ ش) کشف الارتیاب فی تباع محمد بن عبد الوهاب، ترجمه و نگارش: ابراهیم سید علوی، تهران، امیر کبیر.
۷. امینی، عبدالحسین (۱۳۹۷ هـ)، الغدیر، ج ۱۰، بیروت: دارالکتاب العربی، چاپ چهارم.
۸. ایوانف، یوری، (۱۳۵۶ ش) صهیونیسیم، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ سوّم.
۹. البانی، محمد ناصرالدین (۱۴۲۰ هـ)، التحذیر من فتنه التکفیر، ریاض: دارالرایه.
۱۰. بن باز، عبدالعزیز (۱۴۲۸ هـ)، مجموعه فتاوی، ج ۲، ریاض: دار الوطن.
۱۱. بنی حسینی، سید صادق حسینی (۱۳۷۲ ش)، ادیان و مذاهب جهان، ج ۱، قم: و اصف.
۱۲. جان ال. اسپوزیتو و دالیا مجاهد (۱۳۹۰ ش)، چه کسی از طرف اسلام سخن می گوید؟: یک میلیارد مسلمان واقعاً چگونه فکر می کنند، ترجمه سهیلا ناصری، تهران: هرمس.
۱۳. حامدی، محمد مهدی (۱۳۸۷ ش)، دشمنان مهدویت چرا و چگونه؟، چاپ ششم، قم، چاپ فردوس.
۱۴. الخشن، حسین احمد (۱۳۹۰ ش)، اسلام و خشونت (نگاهی نو به پدیده ی تکفیر)، ترجمه ی موسی دانش، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی.
۱۵. رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۷ ش)، وهابیان را بهتر بشناسیم، قم: انتشارات دلیل ما.
۱۶. رضوانی، علی اصغر (۱۳۹۲ ش)، وهابیان تکفیری، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری مشعر، چاپ دوّم.
۱۷. رفعت، سید احمد (۱۹۹۱ [الف])، النبی المسلح (۱): الرافضون، لندن، ریاض الریس للکتاب و النشر.
۱۸. رفعت، سید احمد (۱۹۹۱ [ب])، النبی المسلح (۲): الثائرون، لندن، ریاض الریس للکتاب و النشر.
۱۹. روزنامه کیهان، شماره ۲۰۷۲۹، تاریخ ۹۲/۱۲/۱۷، صفحه ۳: موجود در: magiran.com/n2916005
۲۰. سبحانی، جعفر (۱۳۷۶ ش)، فراهایی از تاریخ پیامبر اسلام (ص)، تهران، نشر مشعر، چاپ هفتم.
۲۱. الشیبانی، محمد بن ابراهیم (۱۴۰۹ هـ)، اوراق مجموعه من حیاة شیخ الاسلام ابن تیمیه، کویت، مکتبه ابن تیمیه.

۲۲. طهرانی، محمد محسن (آقا بزرگ) (۱۴۰۸ هـ)، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۸، قم: اسماعیلیان.
۲۳. عبدالعظیم عبدالسلام شرف الدین (۱۳۸۷ هـ)، ابن قیم الجوزیه، عصره و منهجه و آراؤه فی الفقه و العقائد و التصوف، قاهره: مکتبه الکلیات الازهریه.
۲۴. عدالت نژاد، سعید و همکاران، سلفیان تکفیری یا الجهادیون؛ خاستگاه و اندیشه ها، تاریخ و تمدن اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۵-۱۹۸.
۲۵. عهد عتیق و عهد جدید (۱۳۸۳ ش)، ترجمه فاضل خان همدانی، به کوشش ویلیام گلن و هنری مرتن، تهران: اساطیر.
۲۶. کریمی نیا، محمد مهدی (۱۳۸۳)، ماهیت اعتقادی و دینی صهیونیسم، کتاب نقد، شماره ۳۲.
۲۷. گارودی، روزه (۱۳۶۹ ش)، اسرائیل و صهیونیسم سیاسی، ترجمه دکتر نسرین حکمی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۶ ش)، تفسیر نمونه، ج ۱-۲، تهران: دارالکتب اسلامی.
۲۹. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۹ ش)، صحیفه نور، تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی (ره).
۳۰. موسوی خمینی، سید روح الله (بی تا)، التحریر الوسیله، ج ۱، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.
۳۱. نگارش، حمید (۱۳۸۹ ش)، دشمن شناسی از دیدگاه امام خمینی (ره)، چاپ هفتم، قم: زمزم هدایت.
۳۲. هرتزل، تندور (۱۳۸۹)، پروتکل های رهبران یهود برای تسخیر جهان، ترجمه بهرام محسن پور، تهران: کتاب صبح.

33. Matustik, Martin J. and Westphal, Merold, (1995), Kierkegaard in Post/Modernity, Indiana University Press.

34. Pap. Robert, (2005), Dying to win: the strategic logic of suicide terrorism. New York: Random House

